

## تأثیر اندیشه‌های کلامی معتزله بر شیعه

محمد طالعی اردکانی\*

### چکیده

مکتب معتزله یک جریان کلام اسلامی بود که در نیمه دوم قرن اول هجری در منطقه بصره شکل گرفت. پیروان این جریان مدافع کاربرد عقل در مباحث اعتقادی بودند. آنان به یک سری اصول مشترک معتقد بودند اما در تفسیر اصول اعتقادی، اختلاف داشتند که به ایجاد شاخه‌های متنوع اعتزالی انجامید. این جریان به مدت یک قرن در عرصه‌های مختلف فکری - فرهنگی، زمینه‌ساز تحولات تأثیرگذار بود و در فاصله سال‌های ۱۹۸ ق تا ۲۳۲ ق - از زمان حکومت مأمون تا پایان حکومت واثق - به اوج پیشرفت خود رسید اما در قرن سوم هجری، رونق خود را از دست داد و از پیشرفت باز ماند. گفته می‌شود که شیعه در مسائل کلامی به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های معتزله بوده و از خود استقلالی نداشته است اما مطالعه و بررسی دقیق، بیانگر آن است که عکس آن درست است و معتزله تحت تأثیر افکار شیعی قرار گرفته‌اند. در ادامه مقاله با توجه به سیر تاریخی بحث به آرا و نظرات برخی از متفکران مسلمان اعم از معتزله و امامیه اشاره می‌شود. سپس بیان می‌شود که شیعه به صورت یک گرایش مستقل، از همان نخستین سال به وجود آمدن معتزله، از جهات گوناگون در برابر آن‌ها صفا آرای کرده است و به نظر می‌رسد شکست‌های معتزله در همین مرحله، زمینه‌ساز طرح تهمت یاده شده به شیعه است و در ادامه بحث شواهد اثبات می‌کند که معتزله تحت تأثیر شیعه قرار گرفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** امامیه، معتزله، اعتزال، عدلیه.

---

\* دانش‌پژوه سطح سه رشته شیعه شناسی موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## مقدمه

معتزله از جریان‌های اصلی کلامی اهل سنت است. ایشان برخلاف اهل حدیث که انبوه حدیث‌های اصیل و جعلی پیامبر و صحابه را مورد توجه خود قرار داده بودند، عقل و خرد را به‌تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می‌دانستند و گاهی نظرات فلاسفه را با دین مخلوط می‌ساختند. بعدها اشاعره برخاستند و جانشین اهل حدیث شدند. اشاعره را می‌توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آنان نیز عقاید معتزله را مردود می‌دانستند.

تأکید معتزله بر عقل آن‌چنان جدی بود که برخلاف بسیاری از فقها که حدیث را مطلق می‌دانستند آنان اعتقاد داشتند در تعارض حدیث با عقل، عقل مقدم است. برخلاف نظر بسیاری از علما، اعمال و احادیث صحابه را مطلق و لازم‌الاجرا نمی‌دانستند. اساسی‌ترین و درعین حال بحث‌برانگیزترین موضع‌گیری معتزله در بحث پیچیده مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن پیش آمد.

کلام امامیه، از مذاهب کلامی اسلام به اثبات، تبیین و دفاع از آموزه‌های اعتقادی به روش اهل بیت علیهم‌السلام و شاگردان برجسته آن‌ها می‌پردازد و در آن بر کاربرد عقل و نقل در مسائل اعتقادی تأکید می‌گردد. کلام امامیه در برابر کلام معتزله، اشاعره و ماتریدیه قرار دارد و عمده تفاوت آن با دیگر مکاتب کلامی در روش و مسائل مربوط به امامت است.

کلام شیعی، در دوره حضور امامان علیهم‌السلام، صبغه عقلی-نقلی داشت. پس از آن؛ نص‌گرایی، عقل‌گرایی و خردگرایی فلسفی، رویکردهای متکلمان شیعی در مباحث کلامی بوده است که این خود سیر تحول کلام شیعی را از آغاز دوره غیبت کبری نشان می‌دهد. شیخ صدوق، شیخ مفید و خواجه نصیرالدین طوسی به ترتیب از بنیان‌گذاران و شخصیت‌های برجسته نص‌گرایی، عقل‌گرایی و خردگرایی فلسفی بوده‌اند.

بررسی منابع به‌جامانده از دوران صدر اسلام نشان می‌دهد نخستین فردی که سؤالات و شبهات را پاسخ داد، امام‌علی علیه السلام بود و اصحاب و هواداران وی نیز از آرا و نظریات کلامی او پیروی کرده‌اند. پس از امام‌علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و پس از آنان، امام سجاد علیه السلام و دیگر امامان شیعه، هر یک در عصر امامت خود به‌عنوان آموزگاران معصوم، پرچم‌دار جهاد کلامی و مدافع عقاید راستین اسلامی بوده و اصحاب و شاگردانی را در این راه تربیت نموده‌اند. مذهب و کلام امامیه شیعی از نظر تاریخی بر همه مذاهب کلام اسلامی مقدم است و حتی قبل از آنکه «قدریه» ظهور کنند (نیمه دوم قرن اول هجری) و قبل از آنکه معتزله پدید آیند (اوایل قرن دوم هجری) و به انگیزه دفاع از توحید و عدل الهی با تشبیه‌گرایان و جبرگرایان به مبارزه برخیزند، پیشوایان کلام امامیه این راه را پیموده و با دلایل محکم عقلی خود، پایه‌های توحید و عدل را تحکیم نمودند و به این خاطر از عدل و توحید به‌عنوان دو اندیشه علوی یاد کرده‌اند (العدل و التوحید علویان)<sup>۱</sup>.

سه مکتب فکری کلامی جهان اسلام - امامیه، معتزله و اشاعره - در برخی مسائل هم‌رأی و هم‌سو هستند و در برخی دیگر با یکی یا هر دو مکتب دیگر اختلاف دارند. کلام شیعه، هم بر دو مکتب دیگر تأثیر گذارده و هم از آنان تأثیر پذیرفته است اما در عین حال کلام شیعه هویت مستقل خود را حفظ نموده و رویکرد کلی آن تحت تأثیر مکتب دیگر، تغییر نکرده است.

هم‌آهنگی معتزله با شیعه در برخی مسائل کلامی مانند عینیت صفات با ذات، مخلوق بودن قرآن، انکار کلام نفسی، انکار رؤیت بصری خداوند، حسن و قبح عقلی، قدرت و اختیار انسان، سبب شده است که برخی مستشرقان و نویسندگان مسلمان، گمان کنند که شیعه در آرای کلامی خود از مکتب معتزله

۱. ر.ک، علامه طباطبایی، تعالیم اسلام، ص ۵۱.

متأثر بوده است اما این نظریه از سوی بسیاری از پژوهشگران شیعی رد شده است.

### معتزله و شکل‌گیری آن

معتزله، فرقه‌ای اسلامی است که در اواخر عصر اموی به وجود آمد و در عصر عباسیان شکوفا شد. این فرقه با تأثیرپذیری از نظریه‌های فلسفه‌ای وارداتی، برای فهم عقیده اسلامی تنها بر عقل تکیه می‌کند و همین امر منجر به انحراف از عقیده سنت و جماعت گردید. نام‌های مختلفی مانند معتزله، قدریه، عدلیه، اهل بیت عدل و توحید، مقتصد و وعیدیه بر این فرقه نهاده‌اند.

۶۰

### علل پیدایش معتزله

#### دیدگاه اول

اعتزال، در نتیجه بحث و گفتگو در مسائل پیچیده دینی مانند چگونگی حکم مرتکب گناهان کبیره، پدید آمد و آیا بنده توانایی بر انجام کارش را دارد یا نه؟ صاحبان این نظریه معتقدند که نام معتزله به چند دلیل زیر بر آنان نهاده شده است:

- ۱- آنان با گفتن «منزلی میان دو منزلت» از مسلمانان کناره گرفتند.
- ۲- آنان به معتزله شهرت یافتند چون «واصل بن عطاء» حلقه درس حسن بصری را ترک کرد و حلقه درس مخصوصی با شعار «منزلی بین دو منزلت» را تشکیل داد، از این‌رو شیخ حسن بصری گفت: واصل از ما کناره گرفت.
- ۳- آنان به وجوب کناره گرفتن از مرتکب گناهان کبیره و قطع رابطه با او باور داشتند.

#### دیدگاه دوم

اعتزال و کناره‌گیری با یک انگیزه سیاسی به وجود آمد زیرا معتزله از پیروان حضرت علی علیه السلام بودند و از امام حسن علیه السلام هنگامی که به نفع معاویه کناره‌گیری

نمود، دوری گزیدند یا این‌که آنان میان پیروان علی علیه السلام و معاویه موضعی بی‌طرفانه داشتند و از این دو گروه، دوری گزیدند.

اندیشمندان معتزله را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- پیشوایان صاحب‌نظر، ۲- دانشمندان مبین مکتب.

گروه نخست، در عین اعتقاد به اصول پنج‌گانه معتزله، خود در برخی از مسائل صاحب‌نظر بوده و اصل یا اصولی را در مذهب مطرح کرده‌اند. گروه دوم، افراد مستعد و بافضیلتی بودند که به تبیین مکتب اعتزال پرداختند بدون اینکه اصل و یا اصولی را به‌صورت چشمگیر پی‌ریزی کنند.

### اندیشمندان بزرگ معتزله

۱- أبو الهذیل حمدان بن الهذیل العلاف (۱۳۵ - ۲۲۶ هـ): او غلام عبدالقیس و شیخ معتزله و اهل مناظره بود. اعتزال را از عثمان بن خالد طویل - شاگرد واصل بن عطاء - یاد گرفت. کتاب‌های زیادی از فلاسفه را مطالعه نمود و سخنانشان را با کلام معتزله در هم آمیخت و از ارسطو و انباده‌قلیس از فیلسوفان یونان تأثیر پذیرفت. وی می‌گوید: «خدا دانا و توانا است و دانایی و توانایی او ذاتی است...»<sup>۱</sup> این گروه، هذیلیه نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

۲- ابراهیم بن یسار بن هانئ النظام (متوفای سال ۲۳۱ هـ): او در اصل بر آیین برهمایی بود و مانند سایر معتزلیان از فلسفه یونانی تأثیر پذیرفت و بر این باور بود که متولدات (اصطلاحی کلامی به معنی پدید آوردن کاری به‌وسیله کاری دیگر) از افعال خدای متعال است. این گروه نظامیه نامیده می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. عبدالقاهر البغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۷۶.

۲. ابن ندیم، الفهرست، فن سوم از مقاله نخست، ص ۳۹.

۳. ابن ندیم، فن اول از مقاله ششم، ص ۲۰۵.



- ۳- بشر بن المعتمر (متوفای سال ۲۲۶ هـ): بشر نظریه تولد و افراط در آن را مطرح کرد و گفت: تمامی اعمال متولده در حوزه فعل انسان است. انسان؛ رنگ‌ها، طعم‌ها، دیدنی‌ها و بوها را پدید می‌آورد. این گروه بشریه نامیده می‌شود.
- ۴- معمر بن عباد السلمی (متوفای سال ۲۲۰ هـ): او از بزرگ‌ترین علمای قدریه است و در تحقیق و بررسی نظریه نفی صفات و نفی قدر، خیر و شر آن از جانب خدا، حیرت‌انگیز بود. پیروان این گروه، معمربه نامیده می‌شوند.
- ۵- عیسی بن صبیح با کنیه ابی موسی ملقب به مردار (متوفای سال ۲۲۶ هـ): او مشهور به راهب معتزله است. در تکفیر عموم امت و حتی برخی از معتزله افراط نمود. پیروان این فرقه، مرداربه نامیده شده‌اند.
- ۶- ثمامه بن اشرس النمیری (متوفای سال ۲۱۳ هـ): او در تدین ضعیف و عیاش و شهوت‌ران بود؛ با وجود این، اعتقاد داشت که هرگاه فاسق بدون توبه بمیرد در جهنم جاودان خواهد ماند. او معتقد به منزلتی بین دو منزلت بود. نمیری در زمان مأمون، معتصم و واثق، رهبری قدریه را بر عهده داشت. گویند او مأمون را فریفت و او را به اعتزال دعوت نمود. گروهش ثمامیه نامیده می‌شود.
- ۷- عمرو بن بحر: أبو عثمان الجاحظ (متوفای سال ۲۵۶ هـ) از نویسندگان بزرگ معتزله و کارشناسان کتاب‌های فلاسفه بود. به خاطر بلاغت در نگارش ادبی، توانست افکار اعتزالی خویش را در نوشته‌هایش مانند «البیان والتبیین» بگنجانند، آن‌گونه که سم در چربی نهان می‌شود. پیروانش را جاحظیه نامیده‌اند.
- ۸- أبو الحسین بن أبی عمر الخیاط (متوفای سال ۳۰۰ هـ): او اهل بغداد بود و بدعتی که با آن شهرت یافت، این بود که معدوم، جسم است و شیء معدوم پیش از وجودش جسم است. این نظریه بیانگر قدیمی بودن عالم است و برخلاف عقیده تمام معتزله می‌باشد. پیروان این فرقه، خیاطیه نامیده می‌شوند.

۹- قاضی عبدالجبار بن احمد بن عبد الجبارهمدانی (متوفای سال ۴۱۴ هـ):  
او از آخرین علمای معتزله و قاضی القضاات ری و از بزرگ‌ترین استادان معتزله  
در عصر خویش است. او تاریخ معتزله را نوشت و پایه و اصول فکری و عقیدتی  
آنان را وضع کرد.<sup>۱</sup>

۱۰- ابو هاشم جبایی: عبدالسلام بن محمد بن عبدالوهاب، فرزند ابی علی  
جبایی در سال ۲۷۷ دیده به جهان گشود و در سال ۳۲۱ درگذشت. او شیخ  
معتزله و نویسنده کتاب‌هایی به روش اعتزال است. در پایان عمر در بغداد  
سکونت گزید.<sup>۲</sup>

ابن خلکان می‌نویسد: او خود متکلم معروف و پدرش از بزرگان معتزله  
بودند و مقالاتی در مذهب اعتزال دارند و کتاب‌های کلامی با آرای این پدر و  
پسر مشحون است. او فرزندی به نام ابوعلی داشت که فاقد دانش بود. روزی  
پسر بر «صاحب بن عباد» وارد شد، صاحب به فکر اینکه او نیز از پدر سهمی از  
علم و دانش به ارث برده است، از جای خود برخاست، او را کنار خود نشاند و  
به‌عنوان آزمون مطلبی را از او پرسید. او در پاسخ گفت: «نمی‌دانم نیمی از علم  
است». صاحب به رسم مطایبه گفت: فرزندم راست گفتی ولی پدرت با نیمه دیگر  
پیشرفت کرد! (بادانش).<sup>۳</sup>

### مشایخ اعتزال بصره

۱- واصل بن عطا (م ۱۳۱ هـ)، ۲- عمرو بن عبید (م ۱۴۳ هـ)، ۳- ابوالهذیل  
علاف (م ۲۳۵ هـ)، ۴- ابراهیم نظام (م ۲۳۱ هـ) ۵- علی‌الاسوار (م در حدود  
۲۰۰ هـ)، ۶- معمر بن عباد سلمی (م ۲۱۵)، ۷- عباد بن سلیمان (م ۲۲۰ هـ)، ۸-

۱. ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۱۳.

۲. ابوبکر خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۵۵.

۳. ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۳ ص ۱۸۳.

هشام فوطی (م ۲۴۶ ه)، ۹ - عمرو بن بحر جاحظ (م ۲۵۶ ه)، ۱۰ - ابو یعقوب شحام (م ۲۳۰ ه)، ۱۱ - ابو علی جبایی (م ۳۰۳ ه)، ۱۲ - ابوهاشم جبایی (م ۳۲۱ ه)، ۱۳ - ابو عبدالله الحسینی بن علی بصری (م ۳۶۷ ه)، ۱۴ - ابواسحاق بن عیاش (استاد قاضی)، ۱۵ - قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ ه).<sup>۱</sup>

### مشایخ اعتزال بغداد

۱ - بشر بن معتمر (م ۲۱۰ ه)، ۲ - ثمامة بن اشرس (م ۲۳۴ ه)، ۳ - جعفر بن مبشر (م ۲۳۴ ه)، ۴ - جعفر بن حرب (م ۲۳۶ ه)، ۵ - احمد بن ابي دواد (م ۲۴۰ ه)، ۶ - محمد اسکافی (م ۲۴۰ ه)، ۷ - ابوالحسین خیاط (م ۳۱۱)، ۸ - ابوالقاسم بلخی کعبی (م ۳۱۷).<sup>۲</sup>

### فرقه‌های منسوب به معتزله

۱ - الحسینیه، ۲ - الواصلیه، ۳ - هذیلیه، ۴ - نظامیه، ۵ - بشریه، ۶ - الکعبیه، ۷ - هشامیه، ۸ - جبائیه، ۹ - جاحظیه، ۱۰ - معمریه، ۱۱ - خیاطیه، ۱۲ - مداریه، ۱۳ - شمامیه، ۱۴ - خابطیه، ۱۵ - هاشمیه، ۱۶ - اسکافیه، ۱۷ - اسواریه، ۱۸ - جعفریه، ۱۹ - حماریه، ۲۰ - عمرویه.<sup>۳</sup>

### اصول عقاید معتزلیان

- ۱- توحید: مراتبی دارد که عبارت است از:
- توحید ذاتی: خداوند شریک و همتایی ندارد.

۱. ر. ک، القاضی، عبدالجبار، فصل الاعتزال و طبقات المعتزله.

۲. ر. ک، همان.

۳. عبدالقاهر البغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۹۳.





• توحید صفاتی: صفات خداوند از نظر مفهوم متعددند ولی از حیث مصداق و واقعیت عینی، کثرت و تعددی در آنها نیست و همه عین یکدیگر و عین هم می‌باشند.

• توحید افعالی: همه آثار و افعالی که در گستره آفرینش تحقق می‌یابد، به حول و قوه الهی است.

• توحید در عبادت: جز خدای یگانه، کسی شایسته پرستش نیست. از اقسام یادشده است توحید صفاتی مورد تأکید معتزله قرار گرفته است. آنان هرگونه صفت زاید بر ذات را نفی می‌کنند و معتقدند: خداوند به ذات خویش، عالم، قادر و حی است، نه به واسطه علم، قدرت و حیات که صفات قدیمه و معانی قائم به ذات او هستند. دفاع از توحید صفاتی مختص معتزله نبود و پیش از آنان امامان شیعه آن را تبیین و تحکیم نمودند و معتزله از سخنان آنان و متکلمان امامیه، الهام گرفتند.

۲- عدل: خدا انسان را آفریده است و هرگونه که با وی برخورد کند عدل است. اگر همه را به دوزخ یا به بهشت بفرستد، عدل است اما ستم و جور به خودی خود برای خداوند مناسب نیست و خدایی که حکیم است چنین کاری نمی‌کند و عدل به همان مفهومی که برای انسان است برای خدا هم هست. شیعه و معتزله عدل را قبول دارند.

۳- وعده و وعید: خدا در عمل به وعده و وعیدهایش صادق است. وعد به معنای نوید پاداش و وعید به معنای تهدید به کیفر است. همان‌گونه که خداوند در نویدها و پاداش‌ها به حکمان الله لا یخلف المیعاد، خلف وعده نمی‌کند بلکه محال است خلف وعده نماید درباره کفر نیز تخلف نمی‌کند. تمام وعیدهایی که در قرآن نسبت به فاسقان و تبهکاران آمده عملی می‌شود مگر این که در دنیا توبه کنند. این نظریه مخالف دیدگاه مرجئه است که می‌گویند عفو الهی گسترده است



و شامل معصیت کاران هم می‌شود. امامیه قائل به حسن و قبح عقلی افعال هستند، وفای به وعد را واجب اما وعید را غیر واجب می‌دانند چون وعید حق خداوند بزرگ است و می‌تواند از حق خود درگذرد و آن عفو است. هر که را بخواهد عفو می‌کند و هر که را بخواهد عقاب.

۴- منزله بین المنزلتین: مرتکب گناه کبیره نه کافر است و نه مؤمن بلکه فاسق و مستحق جهنم است. این اصل مخالف باور خوارج و مرجئه است زیرا خوارج بر این باورند که ارتکاب گناه کبیره مساوی با کفر است و مرجئه می‌گفتند: اگر انسان از نظر عقیده و ایمان که امری قلبی است مسلمان باشد، چنانچه ایمان درست بود مانعی ندارد که انسان فاسد باشد. حاکم هرچند گناه کند بر مقام خویش - حکومت - باقی است و اطاعت از او واجب و نماز پشت سر او صحیح است.

۵- امریه معروف و نهی از منکر: امریه معروف و نهی از منکر واجب کفایی و مشروط به شرایطی است و شدیدترین مرتبه آن (قتال) از شئون حکومت و وظایف رهبری اسلامی است. شناخت معروف و منکر اختصاص به شرع ندارد بلکه عقل نیز قادر است پاره‌ای از معروف‌ها و منکرات را درک کند و ثانیاً مشروط به وجود امام نیست بلکه وظیفه عموم مسلمانان است. خوارج امریه معروف و نهی از منکر را مشروط به هیچ شرطی نمی‌دانستند.

### مهم‌ترین عقاید معتزله

#### مخلوق بودن قرآن

یکی از مباحث مهم در قرون اولیه اسلام، مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن بود. بسیاری از علما معتقد بودند که قرآن در زمان پیامبر خلق نشده است بلکه ذات آن ازلی بوده و همواره وجود داشته است.<sup>۱</sup> معتزله با تأکید بر اصل توحید،

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۶۷.



چنین برداشتی از ذات قرآن را مغایر با توحید می‌دانستند. قرآن حادث نشده است و از قدیم بوده است. اعتقاد به خلق قرآن، ایجاب می‌کرد که قرآن جزئی از ذات پروردگار باشد که چنین امری شرک و حداقل مغایر با اصل توحید و ذات خداوند بود.

### مسئله جبر و اختیار

قدریه قائل به اختیار و جبریه گرایش به جبر داشت و معتزله قائل به آزادی و اختیار عمل انسان بودند. آنان در دفاع از اندیشه اختیار از مبانی فلسفی و منطق کلامی بهره می‌بردند؛ بنابراین اگرچه آنان وارثین قدریه بودند اما در پرورش استدلال و مبانی تفکراتشان، فراتر از قدریه رفتند. آنان معتقد بودند که اگر انسان در انجام اعمالش دارای اختیار نباشد و مرتکب گناهی شود و سپس به واسطه ارتکاب آن گناه، خداوند به او کیفر دهد، چنین امری با اصل عدل و عادل بودن خداوند مغایرت پیدا می‌کند زیرا خداوند بنده‌اش را به واسطه عملی کیفر داده است که خود آن را می‌خواسته و اراده کرده است بنابراین لازم است که درجه‌ای از آزادی و انتخاب برای انسان باشد تا بتوان اعمال او را ناشی از اراده و اختیار خود او دانست.

### کلام امامیه

نقطه آغاز پیدایش کلام امامیه به نخستین روزهای پس از رحلت پیامبر ﷺ بازمی‌گردد. نخستین مسأله کلامی که در آن دوره میان مسلمانان مطرح شد، مسئله امامت و خلافت بود که دو نظریه کلی درباره آن ابراز گردید: یکی اینکه جانشین پیامبر از جانب خدا و توسط پیامبر ﷺ تعیین گردیده است و دیگری اینکه به انتخاب مسلمانان واگذار شده است.



امام علی علیه السلام<sup>۱</sup> و گروهی از بزرگان مهاجر و انصار، طرفدار نظریه نخست بودند که نام آنان و احتجاجات شأن در کتب تاریخ و حدیث ضبط گردیده است. شیخ صدوق در کتاب خصال نام دوازده نفر را با احتجاجات آنان نقل کرده است. آنان در احتجاج خود به دو مطلب استناد نموده اند، یکی نص وارد از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگری برتری امام علی علیه السلام. البته در این مرحله هنوز مکتب کلامی شیعه شکل نیافته بود ولی رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام به شیعیان در باب کلیدی‌ترین مسائل کلامی و اعتقادی، بذر شکل‌گیری این مکتب را آماده نمود.

کلام امامیه در زمینه تأسیس اصول و قواعد استدلال کلامی و تدوین و تصنیف رساله‌ها و کتاب‌های کلامی نسبت به معتزله و اشاعره پیشتاز بوده است. امام علی علیه السلام نخستین فردی است که پس از قرآن کریم، باب تفکر عقلی را بر مسلمانان گشود و اصول معارف و عقاید را، تبیین و تحکیم نمود و در باب توحید و عدل که از مهم‌ترین محورهای کلامی است فرمود: «التوحید الأتوهمه و العدل الأتتهمه»<sup>۲</sup>. توحید آن است که او را به وهم درنیاوری و عدل آن است که او را بدان چه درخور نیست متهم نداری.

از نظر تألیف در علم کلام، امامان شیعه رساله‌هایی در زمینه مسائل کلامی نگاشته اند؛ مانند رساله امام حسن علیه السلام پیرامون مسئله قدر. متکلمان امامیه نیز از قدیم‌ترین ایام درباره موضوعات کلامی دارای تألیف بوده‌اند. نجاشی گفته است: «عیسی بن روضه (تابعی) بر واصل بن عطاء و عمرو بن عبید، مقدم بود و ابو هاشم (ابوهاشم عبدالله بن محمد بن علی بن ابیطالب) نیز مقدم بر این دو نفر بود»<sup>۳</sup>.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. نهج البلاغه: الحکمة ۴۷۰.

۳. احمد بن علی نجاشی، اختیار معرفة الرجال (کشی)، صص ۲۵۶-۲۵۷.

هشام بن حکم، از متکلمان شیعه در عصر امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام)، رساله‌ها و کتاب‌های بسیاری در علم کلام نگاشت که از آن جمله: کتاب «الامامة»، کتاب «الجبر والقدر»، کتاب «الاستطاعة»، «الرد علی اصحاب الاثنین» را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

### رویکردهای رایج میان متکلمان شیعه نص‌گرایی

«نص» واژه‌ای است که دو کاربرد دارد. گاهی در مقابل ظاهر به کار می‌رود و گاهی به معنای «نقل» است و در مقابل «عقل» مطرح می‌شود. مقصود از «نص» در این نوشتار کاربرد دوم آن است و مراد از آن، هر متنی است که ریشه در وحی (قرآن و حدیث) داشته باشد.

نص‌گرایی، نظامی فکری است که بر نصوص دینی جمود ورزیده و اندیشه بشری را از دستیابی به توجیه و تبیین عقلانی بسیاری از معارف دینی ناتوان می‌پندارد. این روش یگانه مرجع و منبع دستیابی به معارف دینی را نصوص و ظواهر کتاب و سنت می‌داند.

### عقل‌گرایی

مقصود از عقل‌گرایی در مقابل نص‌گرایی، مکتب فکری است که بر نقش قوه عقل در کسب معرفت تأکید دارد و عقل را ابزاری برای کسب شناخت می‌داند و در صدد است تا گزاره‌های کلامی را با استدلال عقلانی تبیین نماید. پیروان این روش فکری، اعتبار عقل را پذیرفته‌اند و اصول و مبادی عقلی را شالوده معرفت بشری می‌دانند و معتقدند بدون به رسمیت شناختن خرد و اصول عقلی، معرفتی برای انسان حاصل نمی‌شود و معارف دیگر اعم از حسی، تجربی و وحیانی، مبتنی بر مبادی عقلی است. آنان با اعتقاد به هماهنگی بین عقل و نقل،

۱. همان، صص ۲۵۶-۲۵۷.



می‌گویند: همان‌گونه که شریعت منبع معرفت انسانی است، عقل نیز از منابع معرفت انسانی است و هر دو از حقیقت عینی و خارجی گزارش می‌کنند و گزارش آن‌ها هماهنگ با یکدیگر است. در موارد تعارض بین حکم عقل با وحی، عقل را برمی‌گزینند گرچه نقل را به کلی طرد نمی‌کنند بلکه آن را بر اساس عقل، تأویل می‌کنند.

ویژگی اصلی این روش «اعتدال» و «میانه‌روی» است. شیخ مفید بنیان‌گذار این روش و مؤسس «کلام میانه» است که در مقابل نص‌گرایی شیخ صدوق و «کلام فلسفی» نوبختی‌ها به پا خاسته است.<sup>۱</sup> او باهدف اصلاح استدلال عقلی متکلمان پیشین (نوبختی‌ها) و روی آوردن به روشی میان استدلال عقلی و تفسیر ادله نقلی به طرح، تأسیس و تبیین این روش اقدام کرد. روش اعتدال‌گرایی شیخ مفید را می‌توان از مقایسه آرای او و نوبختیان در مسائل مربوط به «وعید» و «امامت» به دست آورد. دلیل عدول او از مواضع نوبختی‌ها گاه استدلال عقلی و پرهیز از مواضع افراطی و گاه پیروی از اخبار امامان اهل بیت علیهم‌السلام است. تا پیش از شیخ مفید، تفکر نص‌گرایی اهل حدیث حاکم بود. عقل‌گرایی با ظهور شیخ مفید تأسیس شد و به‌واسطه شاگردان برجسته او ادامه یافت.

### خردگرایی فلسفی

این روش با استفاده از عقل و بهره‌برداری از قواعد و اصول فلسفی به مباحث کلامی می‌پردازد. در این روش پایبندی به کتاب و سنت محفوظ است اما ورود و خروج مباحث و استدلال‌ها، رنگ فلسفی داشته و به قواعد و اصول فلسفی و حتی فلسفه یونان باستان استناد می‌شود، هرچند از آیات و روایات نیز به‌عنوان مؤید برمی‌گیرد. در فلسفی شدن کلام، متکلم ابزارهای لازم برای انجام وظایف خود را از فلسفه وام می‌گیرد و با مبنای صحیح فلسفی به بررسی و تبیین

۱. مارتین مک‌درموت، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، ص ۱۲.

گزاره های کلامی می‌پردازد و به تعبیر دیگر به روش فیلسوفان، مدعای متکلمان را اثبات می‌کند.

کلام شیعه - برخلاف کلام سنی که صبغه جدلی آن زیاد بود - رنگ استدلال و برهان داشت اما غیر از موارد محدودی از جمله در میان خاندان نوبختی، صبغه فلسفی نداشت اما با ظهور خواجه نصیرالدین (۶۲۷ ق) و البته ضرورت و مقتضیات زمان، سیر فلسفی شدن خود را به اوج رساند و به فلسفه نزدیک شد.

### مشاهیر متکلمان امامیه

#### قرن دوم

۱ - عیسی بن روضه تابعی؛ در عصر منصور می‌زیست. نخستین مؤلف در علم کلام است.

۲ - علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم‌تمار (م ۱۷۹)؛ وی با ابوالهذیل علاف، ضرار بن عمرو و نظام، مناظرات کلامی داشته است. «کتاب‌الامامه» و «مجالس هشام بن الحکم» از آثار کلامی او است.

۳ - هشام بن حکم (م ۱۷۹ یا ۱۹۹ ق)؛ از شاگردان و اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام که در بحث‌های کلامی و به‌ویژه در مسئله امامت سرآمد دیگران بود.

۴ - ابوجعفر احول ملقب به مؤمن الطاق؛ شاگرد امام صادق علیه السلام و متکلم شیعه که در کلام و مناظره تخصص داشت.

۵ - قیس الماصر؛ شاگرد امام زین العابدین علیه السلام و در حضور امام صادق علیه السلام با متکلم شامی مناظره کرد.

#### قرن سوم

۱ - فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۱)؛ برجسته ترین جنبه علمی وی کلام است. کتب کلامی بسیاری برای وی نقل گردیده که اغلب در رد عقاید و مذاهب انحرافی بوده است.



۲ - سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۹ یا ۳۰۱)؛ کتاب های بسیاری تألیف کرد که از آن جمله: کتاب الرد علی الغلاة، الرد علی المجبرة، کتاب الامامة، کتاب الاستطاعة را می توان نام برد.

۳ - عبدالله بن جعفر حمیری؛ «کتاب الامامه، کتاب الدلائل، کتاب العظمة و التوحيد، کتاب الغيبة والحیره، کتاب التوحيد والبداء والارادة والاستطاعة والمعرفة» از آثار او است.

۴ - حسن بن موسی نوبختی مؤلف کتاب «فرق الشیعة»؛ از نخستین دانشمندان مسلمان است که درباره ملل و نحل کتاب نوشته اند و با متکلمان معتزلی و امامی مشهوری چون ابوعلی جبائی، ابوالقاسم بلخی، محمد بن عبدالله بن مملک اصفهانی و ابن قبه رازی، مناظره کرد.

۵ - ابوسهل نوبختی؛ متکلم امامی ساکن بغداد از خاندان نوبختیان. وی بخش زیادی از فعالیت های علمی خود را به بحث در زمینه مسئله امامت، به ویژه غیبت امام دوازدهم علیه السلام مصروف داشته است.

### قرن چهارم

۱ - ابن قبه رازی؛ از مناظره ها و مجادله هایی که با متکلمان بزرگ عصر خود داشته چنین برمی آید که در زمان خود در علم کلام از برجستگی ویژه ای برخوردار بوده است.

۲ - علی بن حسین مسعودی (م ۳۳۳ یا ۳۴۶)؛ مورخ مشهور و مؤلف مروج الذهب، وی در علم کلام دارای تألیفات متعدد بوده است. نجاشی کتاب های «المقالات فی اصول الدیانات، الصفوة فی الامامة، الهدایة الی تحقیق الولاية، اثبات الوصیة» را به او نسبت داده است.

۳ - شیخ صدوق (م ۳۸۱)؛ از شخصیت های بزرگ شیعه که بیشترین شهرت او در علم حدیث است. در زمینه موضوعات کلامی نیز تألیفاتی دارد که همگی را بر مبنای احادیث تألیف کرده است. برخی آثار کلامی او عبارت اند از:



«التوحيد، اكمال الدين و اتمام النعمة، الاعتقادات، علل الشرايع، النبوة، دلائل الاثمة و معجزاتهم، اثبات الوصية، اثبات النص على الاثمة».

۴ - مظفر بن محمد بلخی (م ۳۶۷)؛ از مشایخ شیخ مفید که در علم کلام و به ویژه مسئله امامت تألیفاتی داشته است. نقض کتاب العثمانیة جاحظ، الاغراض و النکت فی الامامة از آثار او است.

۵ - ابراهیم بن نوبخت؛ مؤلف کتاب «الیاقوت فی علم الکلام». یاقوت قدیمی ترین متن جامع کلام امامیه است که به اثبات عقاید امامیه و رد عقاید مخالفان پرداخته است.

۶ - شیخ مفید (۳۳۸-۴۱۳ ق)؛ تراجم نویسان بر عظمت علمی و برجستگی کلامی او اعتراف نموده‌اند. از آثار کلامی او «اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات» و «تصحیح الاعتقاد بصواب الانتقاد» است.

### قرن پنجم

۱ - ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی موسوی معروف به سید مرتضی و ملقب به علم الهدی (۴۳۶-۳۵۵ ق)؛ از شخصیت‌های بزرگ علمی امامیه است. خواجه نصیرالدین طوسی در مجلس درس خود از وی یاد می‌کرد و می‌گفت «صلوات الله علیه» و می‌افزود: «کیف لا یصلی علی المرتضی»<sup>۱</sup>. «الشافی»، «انقاذ البشر من القضاء و القدر»، «تنزیه الانبیاء و الذخیره فی اصول الدین» مهم ترین آثار کلامی اویند. عمده ترین موضوعات کلامی آثار سید مرتضی، مسئله عصمت و امامت، قضا و قدر و حدوث عالم هستند.

۱. سید بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۸۸. «و كان نصیر الدین الطوسی الفیلسوف الریاضی المشهور یقول اذا جرى ذكر المرتضی فی درسه: «صلوات الله علیه» ثم یلتفت الی القضاء و المدرسین الحاضرین درسه و یقول: کیف لا یصلی علی المرتضی؟».

۲ - ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹ ق)؛ وی در فنون مختلف علوم عقلی و نقلی صاحب نظر و استاد بود. برخی آثار او از مصادر بحارالانوار بوده اند. مشهورترین اثر کلامی او «کنزالفوائد» است.

۳ - محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ق)؛ معروف به شیخ طوسی؛ وی در علوم مختلف دارای تألیف است. «ریاضة العقول»، «تلخیص الشافی»، «تمهید الاصول»، «الغیبة» و «الاقتصاد فی الاعتقاد» از آثار کلامی او است.

### قرن ششم

۱ - امین الاسلام فضل بن حسن بن فضل طبرسی (م ق ۵۴۸)، مؤلف «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». بحث های کلامی را در «مجمع البیان» مطرح کرده است که بیانگر احاطه وی بر عقاید و آراء متکلمان و تسلط و مهارت او در علم کلام است.

۲ - احمد بن ابی طالب طبرسی؛ استاد ابن شهر آشوب و مؤلف کتاب «الاحتجاج» از محدثان و متکلمان امامیه در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است.

۳ - سدیدالدین حمصی رازی؛ بین سال های ۵۸۰ تا ۵۹۰ ق فوت کرده است. کتاب «التعلیق العراقی» همان کتاب «المنقذ من التقليد والمرشد الی التوحید» است که نگارش آن در سال ۵۸۱ به اتمام رسیده است.

۴ - ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۳ یا ۵۸۸) از مشهورترین آثار او معالم العلماء، مناقب آل ابیطالب و متشابه القرآن است که کتاب اخیر حاوی نکات و فواید کلامی است.

### قرن هفتم

۱ - خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق)؛ خواجه نصیر نویسنده کتاب ها و رساله های بسیاری در علوم مختلف است. مشهورترین اثر او در کلام، «تجرید الاعتقاد» است.



۲ - کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی مشهور به ابن میثم (م ۶۷۹ یا ۶۹۹ ق)؛ شارح نهج البلاغه و دارای شهرت در کلام است و آثار زیادی در این زمینه به او نسبت داده‌اند که «قواعد المرام فی علم الکلام»، «البحر الخضم فی الالهیات»، «رسالة فی الوحی والالهام»، «غایة النظر فی علم الکلام»، «النجاة فی القیامه فی تحقیق امر الامامة» از آن‌ها است.

۳ - علی بن سلیمان بحرانی؛ استاد ابن میثم و مؤلف کتاب «الاشارات فی علم الکلام». کتاب «اشارات» وی را ابن میثم و کتاب دیگرش به نام «رسالة العلم» را خواجه نصیرالدین طوسی شرح کرده است.

۴ - حسن بن یوسف بن علی بن مطهر مشهور به علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق)؛ متکلم نامدار امامیه که مبانی کلامی و اعتقادی شیعه را با تکیه بر مبانی عقلی تبیین کرد. «نظم البراهین فی اصول الدین»، «نهاية المرام فی علم الکلام»، «نهج المسترشدين فی اصول الدین»، «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»، «انوار الملکوت فی شرح الیاقوت»، «کشف الحق و نهج الصدق»، «منهاج الکرامة فی اثبات الامامة» و «الباب الحادی عشر» از جمله آثار کلامی او است.

### مسائل کلامی مورد اختلاف امامیه و معتزله

#### شفاعت

مسلمانان همگی در اصل شفاعت اتفاق نظر دارند. امامیه و اشاعره معتقدند مرتکبان گناه کبیره با شفاعت پیامبر ﷺ از جهنم خارج می‌شوند و یا در عذابشان تخفیف داده می‌شود ولی معتزله بودند شفاعت تنها به انسان‌های مطیع که مستحق ثواب هستند می‌رسد و در اثر آن، درجه آنان افزوده می‌شود.

#### مرتکب گناه کبیره

از نظر امامیه و اشاعره مرتکب گناه کبیره مؤمن محسوب می‌شود اما فاسق است. از نظر معتزله چنین شخصی نه مؤمن است و نه کافر بلکه بین کفر و ایمان (منزلة بین المنزلتین) قرار دارد.



### بهشت و جهنم

امامیه و اشاعره معتقدند بهشت و جهنم هم‌اکنون خلق شده و وجود دارند اما بیشتر معتزلیان گفته‌اند بهشت و جهنم هم‌اکنون وجود ندارد.

### امربه معروف و نهی از منکر

امامیه و اشاعره معتقد به وجوب نقلی امر به معروف و نهی از منکر و معتزله قائل به وجوب عقلی آن شده‌اند.

### احباط

امامیه و اشاعره احباط را باطل دانسته و تنها در بعضی گناهان خاص، مانند شرک آن را جاری می‌دانند اما معتزله معتقدند گناه متأخر، ثواب متقدم را از بین می‌برد. اگر کسی تمام عمر عبادت کند و در آخر عمر دروغی بگوید گویا عبادتی نکرده است.

### عقل و شرع

معتزله در تمسک به عقل راه افراط در پیش گرفتند به طوری که روایاتی را که با عقل آنان ناسازگار بود مردود می‌دانستند.

### توبه

معتزلیان می‌گفتند توبه عقلاً ساقط‌کننده عذاب است اما امامیه و اشاعره، قبول توبه را فضل خداوند می‌دانند نه به وجوب عقلی.

### برتری پیامبران بر ملائکه

از دیدگاه امامیه - برخلاف معتزله - پیامبران از ملائکه برترند.

### تفویض

معتزله قائل به تفویض و شیعه معتقد به امر بین الامرین است.<sup>۱</sup> مراد از امرین، جبر و تفویض است. بنا بر نظریه جبر، اراده انسان در افعال او دخالت ندارد و کارهای او محتوم و بیرون از اختیار اوست و بنا بر نظریه تفویض، اراده

۱. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۶، ص ۲۶۱.



انسان در افعالش از هر جهت مؤثر است و قدرت خداوند هیچ تأثیری در آن‌ها ندارد. خداوند فقط انسان و قدرت او را به وجود آورده است. «امر بین الأمرین» این دو نظریه را باطل می‌شمارد و در کارهای اختیاری انسان، هم اراده خدا و هم اراده انسان را مؤثر می‌شمرد و این دو اراده را در طول هم می‌داند. این، همان حقیقت اختیار انسان در کارها است.<sup>۱</sup>

### تکلیف

شیعه و اشاعره برای ابتدای تکلیف، وجود پیامبران را ضروری می‌دانند اما معتزله معتقد بودند عقل مستقل از نقل می‌تواند در این زمینه عمل نماید.<sup>۲</sup> شیعه و معتزله در مسائل بسیاری با یکدیگر اختلاف دارند و اگر شیعه افکار خویش را از معتزله گرفته باشد، این اندازه اختلاف با آنان قابل توجیه نیست. در اینجا به برخی دیگر از اختلافات که در کتب مختلف ذکر شده است اشاره می‌شود:

۱. اتفاق اهل الامامة علی انه لا بد فی کل زمان من امام موجود... و اجمعت المعتزلة علی خلاف ذلك و جواز خلو الازمان الكثيرة من امام موجود.<sup>۳</sup>
۲. اتفقت الامامية علی ان الامامه لا تثبت مع عدم المعجز لصاحبها الا بالنص علی عینه والتوقیف و اجمعت المعتزلة... علی خلاف ذلك.<sup>۴</sup>
۳. اتفقت الامامية علی ان الامامة بعد النبی ﷺ فی بنی هاشم خاصة و اجمعت المعتزلة علی خلاف ذلك.<sup>۵</sup>

۱. علامه طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۶۴ ش، ج ۳، صص ۱۶۱-۱۷۴، پاورقی.

۲. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۶، ص ۲۶۱.

۳. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۴.

۴. همان جا.

۵. همان جا.

۴. اتفقت الامامية على ان رسول الله ﷺ استخلف امير المؤمنين علياً في حياته و نص عليه... و اجمعت المعتزلة... على خلاف ذلك.<sup>١</sup>
۵. اتفقت الاماميه على ان النبي ﷺ نص على امامة الحسن والحسين بعد امير المؤمنين علياً... و اجمعت المعتزلة... على خلاف ذلك.<sup>٢</sup>
۶. اتفقت الامامية على ان الامام الدين لا يكون الا معصوما من الخلاف لله تعالى و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>٣</sup>
۷. اتفقت الامامية على ان رسول الله ﷺ نص على بن الحسين و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>٤</sup>
۸. اتفقت الامية على ان الائمة بعد الرسول ﷺ اثني عشر اماما و خالفهم في ذلك كل من عداهم من اهل الملة.<sup>٥</sup>
۹. اتفقت الامامية على ان المتقدمين على امير المؤمنين ضلال فاسقون و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>٦</sup>
۱۰. اتفقت الامامية و الزيدية و الخوارج عليان الناكثين و القاسطين من اهل البصرة و الشام اجمعين، كفار ضلال ملعونون بحربهم امير المؤمنين علياً... و اجمعت المعتزلة سوى العزال و عمر بن عبيد ابن باب... على خلاف ذلك.<sup>٧</sup>
۱۱. اتفقت الامامية و الزيدية و جماعة من اصحاب الحديث على ان الخوارج... في النار بذلك مخلدون و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>٨</sup>

١. همان جا.

٢. همان جا.

٣. همان، صص ٤ و ٥.

٤. همان، ص ٥.

٥. همان، ص ٦.

٦. همان جا.

٧. همان جا.

٨. همان جا.

١٢. اتفقت الامامية على ان من انكر امامة احد الائمة و جحد ما اوجبه الله تعالى من فرض الطاعة فهو كافر ضال مستحق للخلود في النار و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>١</sup>

١٣. اتفقت الامامية على ان العقل محتاج في علمه و نتائجه الى السمع و انه غير منفك عن سمع ينبه العاقل على كيفية الاستدلال و انه لا بد في اول التكليف و ابتدائه في العالم من رسول و وافقهم في ذلك اصحاب الحديث و اجمعت المعتزلة... على خلاف ذلك.<sup>٢</sup>

١٤. اتفقت الامامية على وجوب رجعة كثير من الاموات الى الدنيا قبل يوم القيامة و ان كان بينهم في معنى الرجعة اختلاف و اتفقوا على اطلاق لفظ البداء في وصف الله تعالى و ان ذلك من جهت السمع دون القياس و اتفقوا عليان ائمه الضلال خالفوا في كثير من تأليف القرآن و عدلوا عن موجب التنزيل و سنة النبي ﷺ و اجمعت المعتزلة... على خلاف الامامية في جميع ما عددناه.<sup>٣</sup>

١٥. اتفقت الامامية على ان الوعيد بالخلود في النار متوجه الى الكفار خاصة دون مرتكبي الذنوب من اهل المعرفة بالله تعالى و الاقرار بفرائضه من اهل الصلاة... و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك و زعموا ان الوعيد بالخلود في النار عام في الكفار و جميع فساق اهل الصلاة.<sup>٤</sup>

١٦. اتفقت الامامية على أن من عذب بذنبه من اهل الاقرار و المعرفة و الصلاة لم يخلد في العذاب و اخرج من النار الى الجنة... و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك.<sup>٥</sup>

١٧. اتفقت الامامية على ان رسول الله ﷺ يشفع يوم القيامة لجماعة من مرتكبي الكبائر من امته و ان امير المؤمنين عليا يشفع في اصحاب الذنوب من شيعته و ان ائمة آل محمد (عليهم السلام) يشفعون كذلك... و اجمعت المعتزلة على خلاف ذلك و

١. همان جا.

٢. همان جا.

٣. همان جا.

٤. همان جا.

٥. همان جا.



زعمتان شفاعة رسول الله للمطيعين دون العاصين وانه لايشفع في مستحق العقاب من الخلق اجمعين.<sup>۱</sup>

۱۸. اتفقت الامامية على ان مرتكب الكبائر من اهل المعرفة والاقرار لا يخرج بذلك عن الاسلام... واجمعت المعتزلة... على خلاف ذلك.<sup>۲</sup>

۱۹. اتفقت الامامية على ان الاسلام غير الايمان... واجمعت المعتزلة... على خلاف ذلك.<sup>۳</sup>

۲۰. معتزله میان وجود و عدم به حد وسط معتقد است و آن را حال می نامند اما امامیه هیچ اعتقادی به آن ندارد و می گویند بین وجود و عدم حدفاصلی نیست.<sup>۴</sup>

#### دلایل شیعه بر استقلال اصول خود

برای ردّ این ادّعا که شیعه، اصول خود را از معتزله گرفته است، ادلّه متعددی وجود دارد:

الف) ردّیات شیعه بر معتزله: در طول تاریخ، ردّیّات متعددی بر آراء و آثار معتزله از سوی شیعه نوشته شده است که چند مورد آن به شرح ذیل است:

۱- «الردّ علی المعتزلة فی امامة المفضول»، تألیف أبو جعفر مؤمن الطاق.

۲- «الردّ علی المعتزلة فی الوعید»، تألیف شیخ مفید.

۳- «الردّ علی المعتزلة فی امر طلحة والزبیر»، تألیف هشام ابن الحکم.

۴- «الردّ علی المعتزلة» تألیف هشام بن الحکم.

۵- «جواب بعض المعتزلة فی أنّ الإمامة لا تكون الا بالنصّ»، تألیف سید مرتضی

علم الهدی.

۱. همان، صص ۹ و ۱۰.

۲. همان، صص ۹ و ۱۰.

۳. همان جا.

۴. همان، ص ۱۷۲.



۶- «الردّ علی ابي علی الجبائی فی التفسیر» تألیف شیخ مفید.

۷- «الردّ علی ابي الهذیل العلاف فی أنّ نعیم اهل الجنة منقطع»، تألیف ابو محمد

حسن بن موسی نوبختی.

۸- «المستثبت»، تألیف ابن قبه رازی در ردّ «المسترشد» که ابوالقاسم بلخی

نوشته است.

با وجود این همه ردّیات از سوی شیعه بر معتزله، چگونه می‌توان مدّعی شد

که شیعه اصول خویش را از ایشان گرفته است؟!

ب) تقییح معتزله از سوی شیعه: معتزله از طرف ائمه شیعه علیهم‌السلام و دانشمندان

شیعه مورد تقییح قرار گرفته‌اند.

### تقدم و تأخر تاریخی

یکی دیگر از شاخص‌ها برای سنجش استقلال کلام شیعه، توجه به تقدم و

تأخر تاریخی آن از مکتب معتزله است. شاید در ساختار و تدوین مسائل کلامی

معتزلیان پیش‌قدم باشند اما با مراجعه به متون و کتبی مثل «فهرست رجال

نجاشی» نشان می‌دهد که بسیاری از اصحاب ائمه علیهم‌السلام از همان قرن دوم

کتاب‌های کلامی داشته و استدلال‌های کلامی امامان شیعه را نقل کرده‌اند. تقدم

تاریخی تدوین کلام معتزله نمی‌تواند دلیلی بر وابستگی کلام شیعه به آنان باشد.

مسئله عدل و توحید جزء مهم‌ترین بخش اندیشه معتزله است. برخلاف ادعای

خیاط که در این مسائل شیعه را وامدار معتزله می‌انگارد، معتزله در این مباحث

تحت تأثیر امام علی علیه‌السلام بودند.<sup>۱</sup> (فاما امیرالمؤمنین فخطبه فی بیان نفی التشبیه و فی

اثبات العدل اکثر منان تحصی).<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: بلخی، ذکر المعتزله، ص ۶۴، قاضی عبدالجبار، فضل الاعتزال و ذکر المعتزله، صص ۱۴۶، ۱۴۷،

۱۶۳، ۲۱۴ و ۲۱۵، المنیة و الامل، صص ۱۷ و ۱۸، البحر الزخار، ج ۱، ص ۴۴، نشوان الحمیدی، الحور

العین، ص ۲۶۰.

۲. فضل الاعتزال، قاضی عبدالجبار، ص ۱۵۰.

سید مرتضی در امالی می‌نویسد: «اعلمان اصول التوحید و العدل ماخوذة من كلام اميرالمؤمنين علي عليه السلام و خطبه؛ انها تتضمن من ذلك ما لازيادة عليه تفصيل و لا غاية وراءه و من تأمل الماثور في ذلك من كلامه علم ان جميع ما اسهب المتكلمون في تصنيفه و جميعه انها هو تفصيل لتلك الجمل و شرح لتلك الاصول».<sup>۱</sup>

عده‌ای از معتزله، سرسلسله اعتزال را امام علی علیه السلام قرار داده‌اند و گاهی از دیگر امامان شیعی هم یاد کرده‌اند. قاضی عبدالجبار در طبقات المعتزله؛ امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام را از متقدمان معتزله شمرده است.<sup>۲</sup> بنا به نقل ابن ندیم در الفهرست، اندیشه‌های معتزله از طریق ابوهاشم به امام علی علیه السلام برمی‌گردد.<sup>۳</sup>



۱. سید مرتضی، امالی، ج ۱، ص ۱۴۸.

۲. قاضی عبدالجبار همدانی، طبقات المعتزله، ص ۲۱۴.

۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۰۲.

## نتیجه‌گیری

برخی گفته‌اند که شیعه در اصول و عقاید خود جیره‌خوار معتزله است یا اینکه شیعه در اصول عقاید، معتزلی است در صورتی که شیعه علاوه بر این که مشی متمایزی از معتزله دارد تقدم تاریخی هم بر معتزلیان دارد.

امامیه از دیرترین زمان و همواره - در زمانی که اعتزال با حمایت حاکمان رواج پیدا کرده بود - بحث، مناظره و مبارزه با تفکر و مکتب اعتزال داشته است. علاوه بر این با نگاهی به انحرافات معتزله و همچنین اصول پنج‌گانه آنان، آنچه که درباره آنان به شیعه نسبت داده شده است از اساس باطل و موهوم است چراکه میان آرای امامیه در توحید، عدل، وعد، وعید، منزله بین المنزلین و امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با معتزلیان تفاوت زیادی وجود دارد. هیچ‌یک از این اصول حتی اصل پنجم که قرآن و سنت بر آن تأکید دارند، مورد توافق این دو مکتب نیست. امامیه می‌گویند که امر به معروف و نهی از منکر بنا به نص الهی از امور واجب هستند اما معتزله معتقد است که این دو به حکم عقل واجب‌اند نه به حکم شرع.

در مورد چهار اصل دیگر هم همین‌طور است. گرچه در پاره‌ای از موارد اشتراکات اندکی در خصوصیات بعضی از اصول می‌باشد لیکن در خلال برخی ادعاهایشان به چیزهایی معتقدند که با اصول امامیه به شدت منافات دارد و حتی امامیه در رد و انکار آنها، کتاب‌ها و سخنان و مناظراتی را به میدان عمل آورده‌اند.



## فهرست منابع

### نهج البلاغه

۱. ابن خلکان، وفيات الأعیان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷ م.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفه، ۱۸۷۲ م.
۳. بحر العلوم، الفوائد الرجالیة، قم: منشورات مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ ش.
۴. البغدادی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد، الفرق بین الفرق، بیروت: دارالآفاق الجدیده، ۱۹۷۷ م.
۵. خطیب بغدادی، ابوبکر، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۱ م.
۶. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۷ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، اصول فلسفه رئالیسم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، تعالیم اسلام، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. علم الهدی، سید مرتضی، امالی، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م.
۱۱. قاضی عبدالجبار، شرح اصول الخمسه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۴ ق.
۱۲. القاضی، عبدالجبار، فصل الاعتزال و طبقات المعتزله. بیروت: انتشارات الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. مغنیه، محمدجواد، معالم الفلسفه الاسلامیه، بیروت، دارالجواد، ۱۹۸۶ م.
۱۵. مفید، محمد بن نعمان، اوائل المقالات، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. مکدرموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، مک گیل و دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، اختیار معرفه الرجال (کشی)، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

